

روز ملت

درباره ۲۲ بهمن ۱۳۵۷: اقیانوس یا برکه؟



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

فردا به مناسبت سالروز برانگیخته‌شدن پیامبر گرامی اسلام تعطیل است و روز یکشنبه هم به‌خاطر چهار و پنجمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران در سال ۱۳۵۷ و به سبب توالی این تعطیلی‌ها و چون شماره بعدروانه ۲۳ بهمن منتشر می‌شود، درباره ۲۲ بهمن امروز می‌نویسم. چون از دو مناسبت دینی و سیاسی گفته شد این اشاره هم خالی از لطف نیست که بر خلاف تصور مایر تعطیل ترین کشور نیستیم چون هنوز تعطیلات هفتگی ما دوازده نیست، تفاوت مادر تنوع تعطیلات براساس دو تقویم هجری قمری و هجری خورشیدی است و ۵ دسته بودن آنها. اولی مذهبی (اسلامی) مانند همین فردا و مبعث رسول اکرم یا تولدو وفات ایشان، دومی مذهبی و اسلامی و در عین حال شیعی مانند تاسوعا و عاشورا و اربعین، سومی سیاسی و برگرفته از تاریخ انقلاب اسلامی مانند همین ۲۲ بهمن یا ۱۲ فروردین یا ۱۳ و ۱۴ خرداد. چهارمی ملی که تنها یک روز است: روز ملی شدن صنعت نفت ایران و پنجمی باستانی و فرهنگی شامل عید نوروز که در تقویم ۴ روز است و سیزده به‌در و یاهم عملاً ۱۳ روزه شده. این اشارات برای آن است که یادآوری کنم آیت‌الله خامنه‌ای در مقام رئیس جمهوری اسلامی ایران و قبل از رهبری جمهوری اسلامی ایران در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۲ بهمن را همچون اعیاد اسلامی و ملی و باستانی توصیف کردند از این حیث که از تمام آنها نشانی دارد. به لحاظ اسلامی به‌خاطر صفت اسلامی آن و از حیث شیعی به دلیل آرزوی دراز شیعیان در برقراری حکومتی با شعار عدل علی و دلایل دیگر که خارج از اندازه یک نوشته روزنامه‌ای است. در چهار و پنجمین سالگرد وفاتر از این نکات می‌توان از تلاش نافر خنده برای تبدیل اقیانوس موج و گونه‌گون جمعیت‌ها در انقلاب ۱۳۵۷ به برکه‌ای ابراز نگرانی کرد که در تصویری از یکی از تجمعات نواصول گرایان در حسینیه جماران جایی که جماعت با وجود هیجان به سخنان رهبر فقید انقلاب گوش فرامی‌دادند به‌خوبی هویدا است و در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. به نکات اصلی در یادداشت پیشین (مانیفست ۱۲ بهمن) اشاره شد و در سرفاله همان روز هم ضرورت بازگشت به آرمان‌های نخستین به‌مثابه راه حل ارائه شده بود. علاوه بر آنها و به بهانه ۲۲ بهمن می‌توان از سه منظر ۴۵ ساله شدن پیروزی انقلاب اسلامی را بررسید:

نخست: از منظر رسانه‌های نواصول گرا که یادآوری می‌کنند جمهوری اسلامی هست ولی شبکه تلویزیونی فارسی‌زبانی که می‌کوشید انقلاب اسلامی ۴۰ سالگی خود را بنیند در آستانه ۴۵ سالگی همان انقلاب خود از نفس افتاده و تعطیل شده است. دوم از منظر صداوسیما که ۴۵ سال بعد از سقوط رژیم سلطنتی همچنان با آن دوران مقایسه می‌کند و در تازترین مورد آقایی که در زمان انقلاب ناشناخته بوده و در ردیف دوم و سوم روحانیون مبارز هم قرار نداشته به استناد ادعای یکی از کارگران جبهه علی خرم گفته آدم‌ها را در آن زمان در قفس شیر می‌انداختند و شُکر کنیم که حالا از این خبرها نیست. سوم از منظر فعالان و کوشندگان که اگر چه اغلب آنها چهره در نقاب خاک کشیده یا بنحوی و خسته در انزوا یا دور از صحنه روزگار می‌گردانند در قیاس با آرمان‌های اولیه و موضوعاتی مانند آزادی و حق انتخاب و مانند اینها. درباره فقره اول می‌توان گفت بله، جمهوری اسلامی هست و آن شبکه فعلاً به‌حقاق رفته و یا اینکه بازمی‌گردد یا نه به طر‌های آنان برای آینده و جذب بودجه بستگی دارد. اما یک حکومت را با یک شبکه تلویزیونی نه می‌توان قیاس کرد و نه می‌توان برانداخت اما این را هم نمی‌توان انکار کرد که طی این ۱۴ سال توانستند تاریخ رسمی را به چالش بکشند و به خاطر اتفاقات ۸۸ و ۹۶ و ۱۴۰۱ دست به تطهیر بزنند و بر بخش‌های قابل توجهی از نسل‌های بعد از انقلاب اثر بگذارند تا جایی که مجری «من و تو» در واپسین دقیقه‌ها بگوید باتنان باشد این خاک، هویدا هم داشته و نگویید همین هویدا را خود شاه در آبان ۵۷ به زندان انداخت و می‌توانست آزاد کند تا برود اما نکرد و با خود نبرد تا جایی که خبرنگاری در شرح عکس دودین‌های روزانه شاه در ساحل پاناما همراه سگ سیاه خود نوشت: این سگ را فراموش نکرد و با خود از ایران خارج کرد ولی نخست‌وزیر ۱۳ ساله را از یاد برد تا به جنگ انقلابیون افتد و به جای او محاکمه و اعدام شود.

درباره منظر دوم هم بسیاری از تحولات به پیشرفت‌های حیرت‌آور فناوری منتسب می‌شود و به انقلاب هوش که از سال ۲۰۰۰ روند شتابان بیشتری به خود گرفته و طبعاً در دهه ۷۰ میلادی خبری از آنها نبود و به زبان علمی هم به درآمد سرانه یا تولید ناخالص ملی اشاره می‌شود اگر چه این واقعیت که فروش ۶ میلیون بشکه نفت خام در روز بی‌هیچ تحریم و مانع در بالاترین قیمت و برای تأمین جمعیت ۳۵ میلیونی کجا. منظر سوم اما منصفانه‌ترین نگاه است و این را هم در داخل تخریب کرده‌اند با راندن فعالان صدر انقلاب و در خارج با شورش خواندن یکی از کم‌تلفات‌ترین و سریع‌ترین انقلاب‌های کلاسیک دنیا که رهبر آن در ابتدا درباره آن لفظ «انقلاب» را به کار نمی‌برد و نهضت یا جنبش را ترجیح می‌داد چون انقلاب مفهومی مدرن است و برگرفته از انقلاب فرانسه و ریشه قرآنی و دینی ندارد و شگفتا که اول بار خود شاه بود که در پیام ۱۴ آبان ۱۳۵۷ با دفعات از این اصطلاح استفاده کرد و گفت: «صدای انقلاب‌تان را شنیدم». این را کسی می‌گفت که این واژه را طی ۱۵ سال قبل از آن تنها درباره اصلاحات ارضی و با تغییر «انقلاب شاه و ملت» یا «انقلاب سفید» به کار برده بود و عنوان یکی از ۴ کتاب او (یا نوشته‌شده به نام او) انقلاب سفید است:

«ماوریت برای وطنم، انقلاب سفید، به سوی تمدن بزرگ و پاسخ به تاریخ».

طی این ۴۵ سال همچنین شاهد دو گرایش بوده‌ایم: یکی گرایشی

با این باور که انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به نقطه پایان - به معنی پیروزی و تحقق هدف براندازی سلطنت - رسید و بعد از آن دولت موقت انتقالی بر سر کار بود و از ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی تأسیس شده و به جای انقلاب باید از نظام و دولت و حکومت سخن گفت. آیت‌الله خامنه‌ای هم در اولین پیام خود به عنوان رهبر جدید تصریح کرد مجلس خبرگان مرا به رهبری جمهوری اسلامی ایران برگزید و تعبیر رهبری انقلاب را نیاوردند، هاشمی‌فسنجانی اما در بازگشت از سفر مسکو و در خطبه‌های نماز جمعه در تیر ۱۳۶۸ یادآور شد: سه عنوان امام و بنیان‌گذار و رهبر کبیر انقلاب خاص و مختص امام خمینی می‌ماند ولی رهبر انقلاب به آیت‌الله خامنه‌ای هم اطلاق می‌شود. حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی البته در مراسم چهل‌م امام که در ویژه‌نامه کیهان انتشار یافت با این دیدگاه مخالفت کرد و گفت، رهبران بعدی رهبران جمهوری اسلامی هستند نه انقلاب اسلامی. این صدا البته چندان پژواک نداشت و هم رهبری و جدید رهبری انقلاب خوانده شد و هم دادگاه‌های انقلاب به کار خود ادامه دادند و هم شورای انقلاب فرهنگی به‌رغم بازگشایی دانشگاه‌ها توسعه یافت و هم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از همه‌نظر تهی‌شد و با این نگاه انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به موازات هم حرکت کرده‌اند و دیدگاه انقلاب در انقلاب هم نزد بخش‌هایی از کار به‌دستان هوادار داشته است. برخی بر دوگانه انقلاب و دیپلماسی تأکید ورزیدند در حالی که مراد رهبری از تعبیر «من دیپلمات نیستم، انقلابی‌ام» اتفاقاً این بود که از دیپلمات‌ها نباید توقع ادبیات انقلابی داشت و از رهبری نظام هم ادبیات دیپلماتیک و غیر صریح و تعارف‌آمیز.

بعضی انقلاب را به معنی نادیده انگاشتن سازمان‌های بوروکراتیک تلقی کردند ولی در عمل نهادهای انقلابی بوروکراتیک شدند و خود انقلابیون هم کت‌وشلوارپوش و بوروکرات. در سال‌های اخیر اما اتفاق دیگری افتاده و آن هم این است که جناح راست که روزگاری با کلماتی چون محافظه‌کار و اصولگرا شناخته می‌شد بر انحصار «انقلاب» در خودشان اصرار دارد و از ۹۸ به این طرف تنها خود را مصداق انقلاب و انقلابی‌گری می‌دانند و به جلی دوگانه اصلاح‌طلب و اصولگرا یا تقسیمات دیگر بر دوگانه انقلاب و ضد انقلاب تأکید دارند!

اگر در سال ۸۴ شاهد یک شش‌ضلعی در انتخابات بودیم که هاشمی‌فسنجانی، مصطفی معین، مهدی کروبی، علی لاریجانی، محمدباقر قالیباف و محمود احمدی‌نژاد نمایندگان اصلاح‌توسعه‌طلبی، اصلاح‌طلبی دموکراتیک، اصلاح‌طلب سنتی، اصولگرایی میانه، نواصولگرایی و اصولگرایی توده‌وار را نمایندگی می‌کردند در سال ۱۴۰۰ از این ۵ ضلع تنها یک ضلع با باقی گذاشتند و حتی علی لاریجانی را حذف کردند و ابراهیم رئیسی در انتخاباتی کهرمق و با مشارکت پایین به ریاست جمهوری رسید. در سال ۹۸ قبل از آن همین اتفاق افتاده بود مضافاً به این که مجلس جدای مشارکت پایین در حصار انواع شوراهای عالی محصور شده است. حالا کار به جایی رسیده که از سه رئیس جمهوری سابق و زنده یکی اجازه شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری را نیافته و هر چه فریاد برآورد دلیل رد صلاحیت مرا اعلام کنبد صدایی برنمی‌خیزد و دیگری دغذغه تهی شدن از معنی را به میان آورده و سومی که تمسید ریاست جمهوری او به‌پای صرف سنگین‌ترین هزینه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و بین‌المللی تمام شد زبان در کام کشیده و کلامی سخن نمی‌گوید و جدای این سه رئیس جمهوری سابق رئیس جمهوری مستقر که برای مجلس خبرگان رهبری از استان خراسان جنوبی نامزد شده، رقیبی ندارد و مشخص نیست بی‌رقیب باید به‌عنوان نماینده راه یابد یا منتظر میان‌دوره‌ای بنشیند یا به استانی دیگر منتقل شود.

این اشارات برای آن است که در چهل و چهارمین سال گرد انقلابی که ۴۵ ساله شده یادآور شوم مهم‌ترین خطر برای آن تبدیل اقیانوس به برکه است. کثیری از جمعیت کنونی ایران یا سال ۵۷ را به‌خاطر ندارند یا در آن زمان کودک بوده‌اند و به اقتضای محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی و مهم‌تر از همه حس فقدان افق آینده تحت تأثیر واقعیت‌های غیرقابل انکار موجود و سفیدشویی‌هایی قرار گرفته‌اند که در پرده آخر رو به تطهیر جلاد سلاواک آوردند. واقعیت اما این است که انقلاب ۵۷ که آن اقیانوس به برکه بدل شد و سخنان اخیر رهبری بر جریان داشتن و جوان ماندن انقلاب را این گونه هم می‌توان تفسیر کرد. چالش دو دیدگاه البته از ابتدا بوده چندان که ریشه در دو قرارت در انقلاب مشروطه دارد که یکی مشروعه می‌خواست و دیگری مشروطه و کار به جایی رسید که شیخ فضل‌الله نوری در مخالفت با تمامیت مشروطه نه‌تنها مشروعه‌خواه شد که مشروطه را به تعبیر مرحوم مهندس سبحانی «مشنومه» - به معنی شوم و بدشگون - توصیف کرد. شگفت‌آور نیست که بعد از پیروزی انقلابی که اولین نخست‌وزیر و اولین رئیس جمهوری آن مصدق بودند نام بزرگراهی در تهران شیخ فضل‌الله نوری شد چون می‌خواستند توازن برقرار کنند. شگفت‌آور وقتی بود که نام او را بر ساختمان جدید الاحداثی در محوطه مجلس شورای اسلامی نهنداد در حالی که هرگز به پاملانترایسم بر نداشت و به صراحت می‌گفت بقال و قصاب که نمی‌توانند قانون‌گذاری کنند. (در مجلس اول صاحبان صنایع و حرفه‌ها نماینده داشتند و رئیس‌شان هم صنایع‌الدوله بود؛ مرتضی‌قلی‌خان هدایت‌وبانی کارخانه‌های نوین صنعتی). شگفت‌آور نیست که گوینده رادیو در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ گفت: «این صدای انقلاب ایران است، صدای انقلاب راستین ملت ایران» و چند ساعت بعد شیخ فضل‌الله محلاتی از ایستگاه بی‌سیم سیدخندان گفت: این صدای انقلاب اسلامی ایران است. این همان ایستگاهی است که محمدرضا پهلوی در دوران ولعیده‌ی در آن رادیو ایران را در سال ۱۳۱۸ افتتاح کرده بود. چرا که انقلاب واقعاً اسلامی بود ولی به‌معنی وسیع کلمه چندان که همان شیخ فضل‌الله محلاتی دل‌پسته شیخ فضل‌الله نوری و تفکرات او نبود و نه‌تنها در انتخابات ریاست جمهوری از ابوالحسن بنی‌صدر با سابقه عضویت و فعالیت در جبهه ملی حمایت کرد که جامعه روحانیت مبارز را به پشتیبانی از اوسوق داد. تهدید اصلی انقلاب ۵۷ شبکه برانداز فرهنگی «من و تو» نبود که شاید با طرحی تازه بازگرد یاد نالد ترامپ که رفته و او هم شاید آبان سال دیگر به کاخ سفید برگردد.

تهدید اصلی انقلاب تقلیل آن از همه به یک گروه خاص است: از اقیانوس به برکه.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

بررسی اظهارات جدید رئیس‌جمهور سابق آمریکا

بازی ترامپ با برگ ایران



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در آخرین گفت‌وگوی مطبوعاتی خود، از سیاست‌های فعلی آمریکا نسبت به تهران انتقاد کرد و این سیاست‌ها را عامل قدرت گرفتن ایران دانست. او زمانی که در رأس قدرت آمریکا بود تلاش خود را برای به‌انزوا کشاندن ایران به کار بست

❖ می‌توانستیم با ترامپ به توافق برسیم

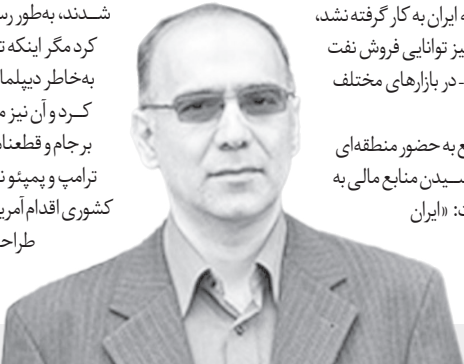
مهدی ذاکریان، استاد دانشگاه و تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل درباره اظهارات اخیر ترامپ راجع به تفاوت سیاست‌های دولت او و بایدن نسبت به ایران، به خبرنگار «هم‌میهن» گفت: «آنچه ترامپ مطرح می‌کند مبنی بر اینکه ایران به یک قدرت واقعی تبدیل شده، صحبت دقیقی نیست. هر اقتصاددان یا سیاست‌دانی که پیچیدگی‌های مسائل میشتی، حکمرانی و اداره زندگی مردم را بشناسد، متوجه می‌شود که زندگی مردم امروز نسبت به سال ۲۰۲۰ سخت‌تر شده است. وقتی مردم یک کشور زندگی راحتی نداشته باشند، نمی‌توان آن کشور را قدرتمند خواند. البته در روابط بین‌الملل این تقسیم‌بندی را داریم که می‌گوییم بعضی دولت‌ها ضعیف اما قدرت بزرگی هستند. به‌عنوان مثال کره شمالی یک قدرت اتمی اما دولتی ضعیف است. به این معنی که دولتی فقیر با مردمی فقیر دارد، اما بمب اتم نیز دارد. در نظام و ادبیات بین‌الملل به این دولت‌ها، دولت ضعیف گفته می‌شود. اگر ترامپ مصدق‌پسین این است که ایران به لحاظ اقتصاد، صنعت و پیشرفت وضعیت بهتری نسبت به سال ۲۰۲۰ دارد، گزاره نادرستی را مطرح کرده است. اقتصاد ایران، معیشت مردم و حتی اداره امور جامعه، با مسائل مختلفی روبه‌روست. اما اگر منظورش این باشد که در دوره او و به‌خصوص در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ تحریم‌های سخت و سختی علیه ایران اجرا می‌شد و اجازه هیچ‌گونه تنفس مالی و تجاری به ایران در عرصه جهانی داده نمی‌شد، حرف درستی را مطرح کرده است. در این دو سال، هیچ کشوری حتی اتحادیه اروپا به‌رغم اینکه بر جام‌زنده بود، جرأت کار با ایران را نداشتند چون نگران مجازات‌هایی بودند که آمریکایی‌ها نسبت به طرف‌های کار با ایران اعمال می‌کردند. از سوی دیگر، با توجه به ملاحظاتی که دموکرات‌ها داشته و دارند و این حقیقت که نسبت به همکاری با ایران و باز شدن باب مذاکرات بی‌رغبت نیستند، اینکه در دوران بایدن تحریم‌ها با دقت و حساسیت دولت ترامپ علیه ایران به کار گرفته نشد، حرف درستی است. نمونه این ادعا نیز توانایی فروش نفت ایران - براساس ادعاهای مطرح‌شده - در بازارهای مختلف به‌خصوص چین است.»

استاد روابط بین‌الملل در ادامه راجع به حضور منطقه‌ای ایران و صحبت‌های ترامپ مبنی بر رسیدن منابع مالی به ایران و هزینه‌کردن آن در منطقه، گفت: «ایران از زمان پیروزی انقلاب، به‌صورت انقلاب و حمایت از جنبش‌های

به‌طوری‌که با خروج از برجام، دستاوردهای دولت روحانی را بی‌اثر کرد. مهم‌ترین تصمیم او بعد از خروج از برجام اعمال شدیدترین تحریم‌ها در حوزه صادرات نفت بود.

دونالد ترامپ که این روزها سودای بازگشت به کاخ سفید را در سر دارد و مشغول کارزار انتخاباتی است، در گفت‌وگویی با نیوزمکس - رسانه نزدیک به جمهوری خواهان - بایدن را برای اتخاذ سیاست‌های آسان‌گیرانه نسبت به ایران مورد انتقاد قرار داد. رئیس‌جمهور سابق آمریکا براین باور است که ایران در سه سالی که او از کاخ سفید دور و قدرت در دست بایدن بوده، به یک قدرت واقعی در منطقه تبدیل شده است.

آزادی‌بخش علاقه داشته و هیچ‌وقت این علاقه را پنهان نکرده است. این مسئله پیش از این در فلسطین و لبنان متمرکز بود. چرا که مردم فلسطین تحت ظلم اسرائیلی‌ها و از حقوق اولیه خود محروم بودند. ایران سعی می‌کرد از حقوق این ملت دفاع کند. جنوب لبنان نیز تا پیش از سال ۲۰۰۰ تحت اشغال اسرائیلی‌ها بود و ایران از مقاومت در این کشور حمایت می‌کرد. البته ایران حتی پیش از انقلاب نیز روی موضوع لبنان حساسیت داشت و اعزام نیروهای حافظ صلح ایرانی به مرز لبنان و سرزمین‌های اشغالی نیز به همین خاطر بود. بعدها وضعیت ایران در منطقه متفاوت شد و در نقاط متعددی مثل افغانستان، یمن و عراق به واسطه گروه‌هایی که علاقه‌مند به انقلاب اسلامی بودند، حضور مؤثرتری پیدا کرد. ما هیچ‌وقت شاهد این نبودیم که حمایت‌های ایران از این گروه‌ها قطع شود. البته اخیراً مقامات کشورمان اعلام کردند که ایران به این کشورها دستور نمی‌دهد و تصمیم‌گیرنده آن‌ها هستند. اما اینکه محسن صالحی در گذشته بهتر در اختیار این گروه‌ها قرار می‌گرفته و امروز وضعیت بدی داشته باشد، ما از آن بی‌اطلاع هستیم. فکر نمی‌کنم مسائل دفاعی، امنیتی و منطقه‌ای به درآمدهای ارزی موجود گره خورده باشد. تصور من این است که حمایت‌های مذکور همیشه وجود داشته و منابع آن نیز تأمین شده است. آن چیزی که مردم امروز از آن مطلع هستند، افزایش مالیات‌هاست. من به‌عنوان یک شهروند ایرانی، امروز مالیات‌های بیشتری نسبت به دوسال پیش پرداخت می‌کنم. از سوی دیگر می‌بینیم که وضعیت عملیات گروه‌های منتسب به ایران نسبت به گذشته نه‌تنها کاهش نداشته، بلکه افزایش پیدا کرده است. حکمرانان ایرانی ممکن است منابع متعددی نداشته باشند که مالیات‌های شهروندان ایرانی یکی از آن‌ها باشد.» ذاکریان حصول توافق میان ایران و آمریکا در دوران ترامپ را ممکن دانست و اضافه کرد: «فراموش نکنیم زمانی که مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا شد، تحریم‌ها افزایش پیدا کرد و آمریکایی‌ها از برجام خارج شدند، به‌طور رسمی اعلام کرد که ما با ایران مذاکره نخواهیم کرد، مگر اینکه تهران یکسری شروط مدنظر ما را قبول کند. به‌خاطر دیپلمات‌های صحیحی که دولت ایران در آن دوره اتخاذ کرد و آن نیز ماندن در برجام و اصرار بر این بود که آمریکایی‌ها برجام و قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را نقض کردند، ترامپ و پمپئو نتوانستند اجماعی علیه ایران ایجاد کنند. هیچ کشوری اقدام آمریکایی‌ها را تأیید نکرد؛ حتی پیش‌نویس قطعنامه طراحی‌شده از سوی آمریکایی‌ها برای موضوع لغو تحریم‌های تسلیحات متعارف که به موجب



مدیرعامل سازمان گورستان سیاسی و اجتماعی بهشت زهرا (س) خبر داد:

احداث دو آرامستان جدید در تهران

بود. مسئولان وقت برای جذب اعتماد مردم به این آرامستان مجبور شدند به دوفر اول که در بهشت‌زهرا (س) دفن شدند جایزه در نظر بگیرند و تبلیغات وسیعی برای آن انجام دهند. یکی از موضوعاتی که در این تبلیغات روی آن تأکید می‌کردند، نبودن گدا در بهشت‌زهرا (س) بود. بهشت زهرا (س) در زمین ۳۱۴ هکتاری واقع شده بود و اولین فردی که در آن دفن شد محمدتقی خیال است که در تاریخ ۴۹/۴/۲۴ در قطعه یک، ردیف یک و شماره یک به خاک سپرده شد. با گذشت زمان به تدریج ظرفیت این آرامستان تکمیل شد و مدیران شهری در بهمن ۱۳۷۶ مجبور شدند ۱۱۰ هکتار از زمین‌های قسمت شمال و شمال شرقی بهشت‌زهرا (س) را خریداری و تملک کنند تا بخش شمالی را توسعه دهند. اما این توسعه نیز جوابگوی متوفیان ابرشهر تهران نبود و در سال ۱۳۸۷ نیز با موافقت مسئولان شهرداری‌های محلی، با خرید و تملک ۱۶۰ هکتار در قسمت شرقی باز هم توسعه این آرامستان در دستور کار قرار گرفت.

❖ اهمیت سیاسی بهشت زهرا (س)

بهشت‌زهرا (س) از منظر سیاسی نیز حائز اهمیت بوده و جایگاه خاصی دارد چرا که امام (ره) بعد از ورود به کشور، به‌جای دانشگاه تهران اولین سخنرانی خود را در این آرامستان ایراد کرد. از سوی دیگر بزرگترین نماز جمعه تاریخ به امامت حسینعلی منتظری نیز بر مزار شهدای این آرامستان برگزار شد تا پس از این نماز جمعه، آرامگاه طالقانی گلباران شود. همچنین مراسم تشییع پیکر امام (ره) که به‌عنوان مراسمی با بیشترین تعداد شرکت‌کننده در کتاب گینس ثبت شده نیز در بخشی از این آرامستان برگزار شد و از آن

گزارش

یک

گزارش

دو